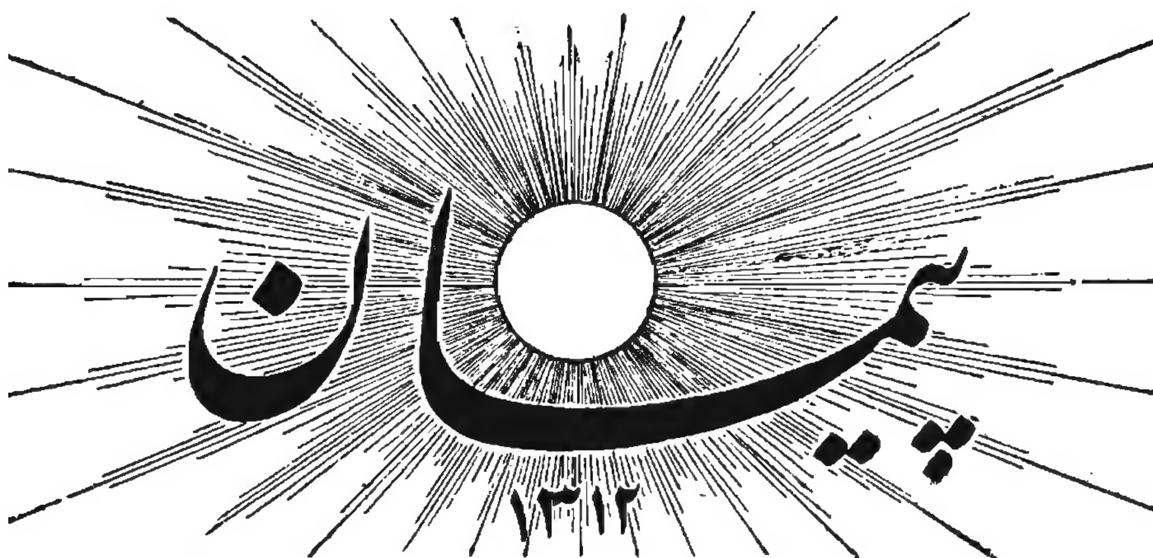

پیمان
پیمان سال چهارم
شماره یازدهم و دوازدهم



شماره یازدهم و دوازدهم   اردیبهشت و خرداد ماه ۱۳۱۷   سال چهارم

دارنده

کسروی تبریزی

جای اداره: خیابان شاهپور کوچه قاپوچی باشی
شماره تلفون ۶۰۲۶

چاپخانهٔ تابان، تهران

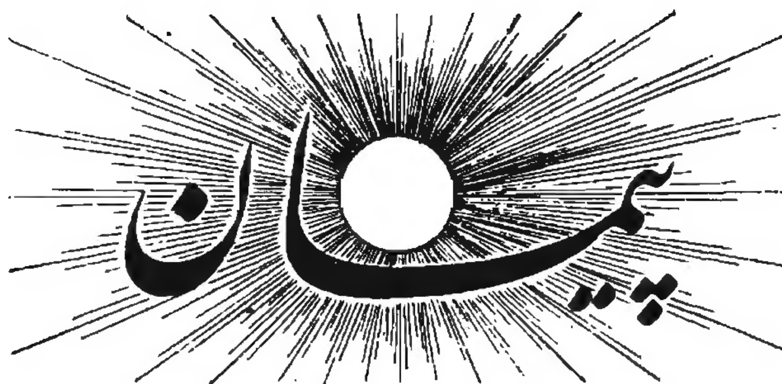
یاد آوری

این را برای سال آینده می نویسیم

بارها کسانی پیمان را خوانده و از روی راستی پرستی بآن گراییده و خوداندش را بران آشنایان خود نیز آرزو می نمایند و نامهای ایشان را فرستاده از ما شمارهای مهنامه را از بهر هر یکی خواستار میشوند و ما چون به پیشنهاد کار می‌بندیم سپس دیده میشود برخی از این خوانندگان در سایه آلودگیها و گرفتاریهایی که بیشتر ایشان دارند و پیمان آنها را نکوهش می نماید رنجیدگی می‌نمایند و کسانی از ایشان خشم خود را باندادن بهای سالانه فرو می نشانند و این نادرستی و پستی را بر خود روا می‌شمارند (چنانکه ما در این چهار سال فهرستی از این مردان نادرست آماده کرده ایم که چون روزی بیرون آوریم اندازه پستی آنان شناخته خواهد شد) و گاهی آگاه میشویم که پیشنهاد کننده ناگزیر شده و پول از کیسه خود پرداخته که ما باین خرسندی نداریم .

برای آنکه از اینگونه ناروابیها آسوده باشیم یاد آوری می کنیم که ما در این راهی که دنبال می کنیم با مردان بخرد و یا کدل سروکار داریم و کسانی را میخواهیم که در پی راستی باشند و از خواندن نگارشهای ما خرسندی نمایند و بیاری ما برخیزند کسانیکه آرزوی پیشرفت توده را دارند آنمردان گرفتاری که حوصله شنیدن یک گفتار ارجداری را ندارند از راه ما بسیار دورند .

اینست یادآوری می کنیم کسانیکه بفزونی خوانندگان پیمان می کوشند تا بتوانند در پی مردانی باشند که از این گرفتاریها بدورند و در پی راستی هستند. از اینگونه کسان پرهیز جویند و چشم پوشند .



سال چهارم　　　اردیبهشت و خرداد ماه ۱۳۱۷　　شماره یازدهم و دوازدهم

سال چهارم پیمان

با این شماره سال چهارم پیمان بپایان می رسد و سال پنجم بیاری خدا پس از زمانی آغاز خواهد شد. کسانی پیشنهاد می کنند در اینجا تاریخچه چهارساله را بنگاریم و خود پیشنهاد بیجایی نیست. چیزیکه هست برای آن گفتار بس درازی میباید و ما را در این شماره آن فرصت نیست. شاید در آغاز سال پنجم آنرا بنگاریم.

در اینجا همین اندازه می گوییم در این چند سال پیمان بچندین زمینه درآمده ولی اگر کسانی نیك بیندیشند همه آنها بهم پیوسته است و باید گفت در این چند سال پیمان همیشه یکراه را پیموده و اینست در همه گفتار ها دو سخن که با هم نسازد پیدا نمی شود.

پاره کسانی چون پیمان را می خوانند پیش خود برخی گفته های ما را پسندیده و پذیرفته و برخی را نمی پسندند و گاهی نیز بر زبان می

آورند که نگارشهای ما را می‌پذیرند ولی با همه آن همداستان نیستند. ما از شنیدن این در شگفت می‌شویم. این دلیل دیگر بر ناتوانی خردهاست. این نمونه‌است که اینان از هرچیزی نافهمیده می‌گذرند. اینان می‌پندارند ما سخنانی بهوس می نگاریم اینست آنان نیز بهوس برخی را پذیرفته برخی را نمی پذیرند. نا گزیریم بنگاریم چنین نیست. ما هرگز سخنی بهوس نراندیم و نخواهیم راند. ما هر زمینه ای را که عنوان می‌کنیم برای آن پایه ای از خرد می‌گزاریم وسپس هرچه می‌گوییم ازروی آن می باشد. اینست کسانی که گفته های مارا می‌خوانند یا باید همه آنها را پذیرند و یا از همه روگردان باشند.

اینان اگر می‌خواهند به نتیجه درستی برسند یك نگارشی را که می خوانند نیك بیندیشند و پس از آن اگر ایرادی دارند تنها با گفتن درنگذرند و برآن باشند که بنگارند. در این هنگام است که راه را بروی‌خود بسته دیده به بیراهی خویش پی خواهند برد.

بارها گفتیم: گرانمایه ترین خوی آدمي راستي پرستی اوست. این از درستی روان و فزونی خرد یك کسی‌است که چون سخنانی را راست و سودمند یافت بخرسندی آنها را پذیرد و بیاری و پشتیبانی برخیزد. این چون و چرا های نارسا و بیجا که ما از کساني می بینیم جز دلیل بیماری روانها نتواند بود.

پشتیبانان پیمان

در این چهارسال آزاد مردانی در تهران و دیگر شهر ها بپشتیبانی پیمان برخاسته اند و هر یکی باندازه توانایي خود کوشش در راه رواج

مهنامه بکار برده اند تا آنجا که یکتن جوانمرد گرجی این پشتیبانی را بعهده گرفته و چون با این شماره پیمان یکدوری را بپایان می رساند و ما امیدواریم از سال پنجم یکدوره نوین دیگری باز شود در اینجا میبایست فهرستی از آن آزادمردان بنگاریم وسپاس بر ایشان گزاریم. بویژه که کسانی این را خواستارند تا آنان را بشناسند. با اینحال ماچون میخواهیم کوشش های پاکدلانه آنان همچنان بی آلایش بماند و باهیچ چیزدیگری درنیامیزد اینست از بردن نامها خودداری می‌نماییم و برای آنکه شناسایی درمیانه ایشان باشد بهتر می دانیم کارتی چاپ کرده بهر یکی بفرستیم. بهرحال از خدا خواهانیم ایشان را هماره خرسند و سرفراز گرداند و بایشان پاداش رساند.

فرهنگ پیمان

امسال را درهر شماره کلمه های نوینی را که بکار می بریم معنی می کردیم و اینك همه آنها را در یکجا می آوریم. کسانی خواستار شده اند بدانسان که شیوه فرهنگهاست وزن کلمه ها را نیز بنگاریم. ولی ما نیازی بآن نمی بینیم. زیرا این کلمه ها چیزهای ناشنیده نیست. بیشتر آنها کلمه هاییست که هرفارسی دان می‌شناسد چیزیکه هست ما از سرشتن آنها با یکدیگر کلمه های نوین پدید می آوریم و یا آن ها را در یك معنی روشن درستی بکار می بریم. ما بارها نوشتیم که از پیش خود کلمه نباید ساخت و خود ما نیز از چنان کاری سخت پرهیز داریم و اینست کلمه‌ای تازه پدید آورده‌ای در نگارشهای ما نیست تا نیازی بنگاشتن وزن آنها باشد. مگر خواست پیشنهاد کنندگان کلمه هایی باشد که ما از کتابهای پیشین بر میداریم

و امروز چندان شناخته نمی باشد. درباره اینها نیز تنها چند کلمه است که بباز نمودن وزن آنها نیازهست وما خواهش پیشنهاد کنندگان‌را درباره آنها پذیرفته وبکار بسته ایم.

آبگیر	حوض	آخشیج	نقیض ضد
آز	حرص	آزمند آزور	حریص
آسیب	آفت	آهنگ	قصد
آهو	عیب (معنی دیگر خود را نیز دارد)		
ابزار افزار	آلت	ابزار سازی	صنعت
ارج	قدر	اندام	عضو
انگار	فرض	انگیزه	علت
باری	اقلا	باز (ازصدسال‌باز)	باینطرف
بازگفتن	نقل کردن	باشنده	موجود حاضر
باور	عقیده	بایا	واجب
بخشیدن	قسمت کردن	بخشودن	رحم‌کردن
بخشش	تقسیم قسمت	بخشایش	رحم
بخش	قسمت	بدفهمی	سوء تفاهم
برکناری	بیطرفی	بیگمان	یقین مطمئن
براستداشتن	تصدیق کردن	بسامان	منظم
بسیج	تدارك	بمزد گرفتن	کرایه یااجاره‌کردن
بند(در دستور)	حرف	بنیك داشتن	تحسین‌کردن
بویژه	بخصوص (ویژه همچون ریزه بمعنی خاص است)		
برگردانیدن	تقلید (بمعنی خود نیز هست)		
بیفرهنگی	بی‌تربیتی	بینش	بصیرت

پراکنده	نثر (معنی خود را نیز دارد)		
پیوسته	شعر (معنی خود را نیز دارد)		
پاداش	سزای نیکی	پهنا	عرض
پاسداری	احترام	پوزش	عذر
پایندان	ضامن کفیل	پیشوری	کاسبی
پایه	قاعده	پیکره	عکس صورت
پایگاه	مرتبه	پیکار	جدل
پای کوفتن	رقص کردن	پیوستگی	ارتباط اتصال
پزشکی	طبابت	پیمان	عهد
پندار	خیال خرافه وهم	پیراستن	پاك کردن
تاوان	جریمه	تن آسانی	تنبلی
تباه	پوچ فاسد	تنگنا	مضیقه
تباهکاری	فساد	توان	قدرت
ترسا	مسیحی	توده	جماعت ملت
تیره	طائفه (معنی دیگر خود را نیز دارد)		
جستار (ازجستن باپیش جیم)	مبحث	جایگاه	مقام
جدایی	فرق تفاوت	چیرگی	غلبه
چند گاهه	موقتی	چیره دستی	اجحاف
چیره	غالب	خرسندی	رضایت‌دلخوشی
خستوان (باپیش خاء وتاء)	معترف	خزندگان	حشرات
خوار بار	آذوقه	خودکامکی	استبداد
خواست	مقصود	خیم	خصلت
دادگرانه	عادلانه حقشناسانه	دد	درنده
دانگیها	حبوبات	داوری	قضاوت

در	باب فصل (معنی خود را نیز دارد)		
درآمد	دخل	دژآهنگ	بدخواه درشت‌خوی
درازا	طول	دژخوی	بدخوی درشت
در رفت	خرج	دستاویز	مستمسك
درخش	برق	دستبرد	تصرف
دربایست	لازم	دستنبویه	شمامه
دریافتن	درك کردن	دغلکار	متقلب
دریوزه‌گردی	گدایی	دهش	سخاوت عطاء
دژآگاه	وحشی	دیگرشدن	تغییر یافتن
دیویسن	بت پرست (در دین زردشت)		
راد مرد	کریم سخی	روا	جایز
راستی	حقیقت	روان گردانیدن	جاری کردن اجراء
راستی را	در حقیقت	رویه	(از کلمه‌روی)صورت
ره‌آورد	سوغات	رویه‌کاری	صورتسازی
زبان دادن	قول دادن	زینهار	امان
زبونی	ذلت	ژرفا	عمق
زمینه	موضوع	سامان	نظم
ستردن	پاك کردن محوکردن	سکالش	مشاوره
ستیزه	لجاجت عناد	سنجش	ملاحظه
ستیزه‌کار	لجوج عنود	سودجویی	استفاده
ستهیدن	لجاجت کردن	سده	قرن
ستاره شناسی	علم هیئت	غدغن	تأکید
ستاره شماری	منجمی	فرهیخت	تربیت
سختی‌کشی	ریاضت	کاچال	اثاث خانه
سرشتن	ترکیب کردن خمیرکردن	کالبد	قالب

کرفه (بازبر کاف)	ثواب	کوی	محله
کشاورز	زارع	کیش	مذهب
کناره جویی	استعفا	کیفر	سزای بدی
گرایش	میل	گزند	صدمه
گراییدن	میل کردن	گلکاری	بنایی
گزافه	مبالغه	گوهر	اصل
مزدیسن	خدا پرست (در دین زردشت)		
مادینه	مؤنث	نماز بردن	سجده کردن
نابیوسان	برخلاف انتظار	نکوهش	مذمت
ناروا	ناجایز	نهاد	طبیعت
نارسا	ناقص	نوید	وعده
نرینه	مذکر	نیایش	عبادت دعا
نهادن	قرار دادن (معنی خود را نیز دارد)		
نیرنگ	حیله	وارونه	عکس ضد
همداستان	موافق	وارونه‌گویی	گفتار متضاد
هوش گماردن	توجه	ورجاوند	مقدس
یارا	توانا	یاد کردن	ذکر کردن
یارستن	توانستن	یکسر	مستقیم
یازیدن	دراز کردن		

پایان بخش سوم از تاریخ مشروطه

چون میخواستیم بخش سوم مشروطه را با داستان جنگ تبریز با روسیان بپایان رسانیم و بیشتر این شماره را بآن پرداختیم اینست بنگارش دیگری نپرداخته در این شماره بهمین چند سخن بسنده می کنیم . چون بیشتر خوانندگان خودشان ارج تاریخ آذربایجان را شناخته اندوما می‌بینیم

آن را نیك میخوانندو نامه هایی در باره آن برای ما می‌فرستند گمان نداریم کسانی از این کار ما در این شماره ناخرسندی خواهند نمود .

بارها نوشتیم خواست ما نه تاریخ‌نویسی بلکه یك داوری دادگرانه میان پاکدلان و غیرتمندان با دغلکاران و بدنهادانیست که در جنبش مشروطه خواهی در ایران پدید آمدند .

راهبران پیمان

پیکره پایین راهبران و نویسندگان پیمان را با آقای اقبالی نشان میدهد :



نامها از چپ براست : ۱) حسن اقبالی ازپشتیبانان دیرین پیمان ۲) محمد ملك‌نژاد ۳) دارنده پیمان ٤) رضا سلطان زاده ٥) مرتضی مدرسی ٦) محمد فیضی

آگاهی و خواهش

۱ ــ با این شماره که بجای دوشماره ۱۱ و ۱۲ است سال چهارم بپایان رسید ولی برای کسانیکه بهای درست سالانه را پرداخته اند یك کتابی از دارنده پیمان که در این دو ماهه چاپ خواهدشد فرستاده خواهدشد

۲ ـ کسانیکه تاکنون پول نپرداخته اند بپردازند وبنامه نوشتن و طلبیدن نیاز نباشد .

۳ ــ سال پنجم پس از گذشتن تابستان آغاز خواهد شد از اکنون پول نفرستند چند تنی که فرستاده اند ما آنها را فراموش نخواهیم کرد ولی دفتری برای سال نوین هنوز باز نکرده ایم .

٤ ــ یکسانی که از هوا داران و خواستاران چند ساله پیمان هستند و ما ایشان را می شناسیم خودمان شمارهای سال نو را نیز خواهیم فرستاد ولی دیگران باید خودشان درخواست نامه بفرستند . بهنگام خود بشیوه همه ساله درخواستنامه هـای چاپـی آماده کرده در دسترس خواستاران خواهیم گزاشت . کنون رانیازی بآن ندیدیم و اینست نفرستادیم .

۵ ــ از شماره‌های امسال آنچه بخواستاران نرسیده و کم دارند اگر بخواهند برای ایشان می فرستیم . اگرهم پاره شماره هارا گم کرده اند و یا بکس دیگری داده اند با فرستادن دو ریال تمبر پستی آنهارا نیز بخواهند. میخواهیم دوره یکساله‌را دردست داشته باشند وبجلد گیرند .

از سالهای گذشته جز پاره شماره‌های پراکنده از سال یکم وشماره های ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ سال سوم دیگر چیزی بیش نمانده است .

سر دبیر پیمان

آقا رضای سلطان زاده است

در این چند ساله آقایان سلطان زاده و ملك نژاد و مدرسی و فیضی در نگارش پیمان دست داشته اند و کنون چون از روی مقررات اخیر باید کسی بعنوان سردبیری رسمی شناسانیده شود آقای سلطان زاده این عنوان را بعهده گرفته اند.

بخش سوم

بخش سوم تاریخ آذربایجان

تاریخ آذربایجان که همراه پیمان امسال چاپ میشد سیصد جلد نیز جداگانه چاپ شده که در کتابفروشی‌های پائین بفروش خواهد رفت — بهای هر جلدی ۱۵ ریال است.

تهران کتابفروشی های شرکت مطبوعات طهران خاور

تبریز کتابفروشی های سروش محمدیه

رضاییه کتابفروشی فرقانی

اهواز کتابفروشی صافی

مراغه کتابفروشی نوبهار

در اینجا ها بخش دوم تاریخ آذربایجان (هر جلدی ۱۵ ریال) و دیگر کتابهای دارنده پیمان نیز بفروش می رسد.

بخش یکم تاریخ آذربایجان دیگر نیست باید دوباره چاپ شود.